

۱. جلال، یک صفت خداست؛ جلال، ابراز خداست، خدا که در شوکت ابراز می شود - خروج ۴: ۳۴؛ اعمال ۷: ۵۵؛ ۲ پطرس ۱: ۳؛ مکاشفه ۲۱: ۱۱.

۲. جلال خدا، به طور نهادی با اقتصاد خدا مرتبط است - افسسیان ۱: ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴؛ ۳: ۲۱؛ ۵: ۲۷؛

آ. خدای سه یکتا، خدای جلال است - اعمال ۷: ۲؛ افسسیان ۱: ۱۷؛ ۳: ۱۴، ۱۶؛ ۱ قرنطیان ۲: ۸؛ ۲ قرنطیان ۴: ۶؛ ۱ پطرس ۴: ۱۴.

ب. هدف جاودان خدا، آوردن پسران بسیاری به درون جلال است - ۲: ۱۰؛ ۱ قرنطیان ۲: ۷؛ افسسیان ۱: ۵-۶، ۱۲، ۱۴.

پ. انسان توسط خدا به صورت او آفریده شد تا انسان او را در جلالش ابراز کند - پیدایش ۱: ۲۶؛ کولسیان ۱: ۱۵؛ ۲ قرنطیان ۴: ۴، ۶.

ت. گناه کردن، کوتاه ماندن از جلال خدا و از این رو ابراز کردن گناه و خود گناهکار است و جلال مردم را بیشتر از جلال خدا دوست داشتن است - رومیان ۳: ۲۳؛ یوحنا ۵: ۴۴؛ ۷: ۱۸؛ ۱۲: ۴۳.

ث. بازخرید مسیح الزامات جلال خدا را برآورده کرده است - رومیان ۳: ۲۴-۲۵؛ عبرانیان ۹: ۵؛ ر.ک. پیدایش ۳: ۲۴.

ج. از طریق انجیل جلال مسیح، خدا ما را توسط و به درون جلال جاودانش فرا خوانده است - ۲ قرنطیان ۴: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۱؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۲؛ ۱ پطرس ۵: ۱۰.

چ. مسیح شامل تمام به عنوان امید جلال در ما ساکن است - کولسیان ۱: ۲۷؛ ۳: ۴، ۱۱.

ح. همانطور که جلال خداوند را می نگریم و بازتاب می کنیم، در حال دگرگون شدن به صورت خداوند از جلال تا جلال هستیم - ۲ قرنطیان ۳: ۱۸.

خ. هدف نجات ارگانیک خدا، و آخرین مرحله این نجات، جلال است - تجلیل ما - عبرانیان ۲: ۱۰؛ رومیان ۸: ۱۷، ۲۱، ۳۰.

د. بنای خدا، خدای سه یکتاست که در ما نهاده شده است تا ما ابراز جمعی پر جلال او شویم - افسسیان ۲: ۲۱-۲۲؛ ۳: ۱۷، ۱۹؛ ۴: ۲۱؛ ۵: ۲۷؛ ر.ک. خروج ۴۰: ۳۴؛ ۱ پادشاهان ۸: ۱۱-۱۰؛ حزقیال ۴۳: ۴-۵؛ حَجّی ۲: ۷، ۹.

ذ. از آنجایی که پادشاهی خدا و جلال خدا جدا ناپذیرند، جلال خدا در پادشاهی آینده ظاهر خواهد شد - متی ۶: ۱۳؛ ۱۶: ۲۷؛ ۲۶: ۲۹؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۲؛ مکاشفه ۵: ۱۳.

ر. یکی از ویژگی های برجسته اورشلیم نو این است که دارای جلال خدا، ابراز اوست؛ تمام شهر، یک شخص جمعی، اورشلیم نو، حامل جلال خدا خواهد بود، که خود خداست که از طریق آن شهر، [یعنی] همسرش، می درخشد - ۱۹: ۷-۹؛ ۲۱: ۲، ۱۰-۱۱.

ز. جلال خدا در اقتصاد خدا شامل قله بلند مکاشفه الهی است - تبدیل شدن خدا به انسان تا انسان در حیات، طبیعت و ابراز، ولی نه در خدایی، به خدا تبدیل شود - یوحنا ۱: ۱۴؛ کولسیان ۳: ۴؛ عبرانیان ۲: ۱۰؛ مکاشفه ۲۱: ۱۰-۱۱.

ژ. هدف اقتصاد خدا این است که همه ما جلال او را بدرخشانیم - آ.آ. ۲، ۲۳-۲۴.

۳. جلال خدا، شامل مجسم شدن، زندگی انسانی، مصلوب شدن، رستاخیز، صعود، و دوباره آمدن مسیح است و اینکه او آن چراغ در اورشلیم نو است:

آ. خداوند عیسی در حیات و کار خود، جویای جلال خود نبود بلکه جویای جلال فرستنده خود [بود] - یوحنا ۷: ۱۸؛ ۸: ۵۰، ۵۴.

ب. مسیح در رستاخیزش جلال یافت - لوقا ۲۴: ۲۶؛ یوحنا ۷: ۳۹؛ ۱۷: ۵؛ اعمال ۳: ۱۳؛ ۱ پطرس ۱: ۲۱.

پ. مسیح در صعودش جلال یافت. خداوند عیسی الگوی یک شخصی بود که «از نهر عبور کرد» و به جلال خدا وارد شد، جایی که با جلال و اکرام [عزت، حرمت، افتخار] تاجگذاری شد - عبرانیان ۲: ۱۰-۹؛ ۶: ۱۹-۲۰؛ ۹: ۲۴.

ت. خداوند به عنوان پسر انسان، در جلال پدر خواهد آمد - متی ۱۶: ۲۷؛ لوقا ۲۱: ۲۷.

ث. در اورشلیم نو برای ابد، مسیح، آن بَرّه به عنوان چراغ، با خدا به عنوان نور برای روشن کردن اورشلیم نو با جلال خدا، که ابراز نور الهی است، خواهد درخشید - مکاشفه ۲۱: ۱۱؛ ۲۳: ۵؛ ۲۲: ۵.

۴. در انجیل یوحنا می توانیم جلال و تجلیل خداوند عیسی را ببینیم:

آ. «جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر» (۱: ۱۴)؛ این به تبدیل شکل مسیح بر کوه اشاره دارد (متی ۱۷: ۱-۲، ۵).

ب. «عیسی ... جلال خود را ظاهر کرد». الهیت خداوند ظاهر شد - یوحنا ۲: ۱۱.

پ. خداوند عیسی [گفت:]: «جلال را از مردم نمی پذیرم» و پرسید: «شما چگونه می توانید ایمان آرید و حال آنکه جلال از یکدیگر می طلبید و جلالی را که از خدای واحد است طالب نیستید؟» - ۵: ۴۱، ۴۴.

ت. «هرکه از خود سخن گوید، جلال خود را طالب بَوَد و اما هرکه طالب جلال فرستنده خود باشد، او صادق است» - ۷: ۱۸.

۱. «من جلال خود را طالب نیستم، کسی هست که [برای من] می طلبد و داوری می کند» - ۸: ۵۰.

۲. «اگر خود را جلال دهم، جلال من چیزی نباشد. پدر من آن است که مرا جلال می بخشد» - آ. ۵۴.

۳. «زیرا که جلال خَلق را بیشتر از جلال خدا دوست می داشتند» - ۱۲: ۴۳.

ث. عیسی گفت: «ساعتی رسیده است که پسر انسان جلال یابد» (آ. ۲۳). برای عیسی به عنوان پسر انسان که جلال یابد، برای او بود که رستاخیز کند.

ج. در باب ۱۷ عیسی گفت: «ای پدر، ... پسر خود را جلال بده تا پسرت نیز تو را جلال دهد» (آ. ۱)؛ «الان تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم» (آ. ۵).

۱. این موضوع دعای خداوند در یوحنا ۱۷ است.

۲. قبل از این دعا، خداوند عیسی پیشبینی کرد که جلال می یافت و اینکه پدر در او جلال می یافت - ۱۲: ۲۳؛ ۱۳: ۳۱-۳۲.

۳. مسیح، زنده می شد تا انسانیت خود را به درون عنصر الهی رفعت دهد و عنصر الهی او ابراز شود، با این نتیجه که تمام وجودش، الهیت او و انسانیت او جلال یابد؛ از این رو پدر در پسر جلال یابد.

چ. خداوند عیسی دعا کرد که ما وارد بالاترین مرحله یگانگی شویم - یگانگی در جلال الهی برای ابراز جمعی خدای سه یکتا: «من جلالی را که به من دادی به ایشان دادم تا یک باشند چنانکه ما یک هستیم» - ۱۷: ۲۲.

۱. این عمیق ترین یگانگی ایمانداران است، یگانگی در جلال الهی برای ابراز جمعی خدا.

۲. در این جنبه از یگانگی، ایمانداران که خود را به طور کامل انکار کرده اند، از جلال پدر به عنوان عامل یگانگی کامل شده آنها مسرت می برند و از این رو خدا را به طوری جمعی و بناسازی-شده ابراز می کنند.

۵. مسیح پسر به عنوان تجسم خدای سه یکتا، تجلیل پدر است - آ. ۱، ۵، ۲۲-۲۳:

- آ. تجلیل یعنی ظاهر شدن؛ جلال یافتن، ظاهر شدن است.
- ب. نکته اصلی پیام خداوند در یوحنا ۱۴ تا ۱۶ این است که پسر جلال یابد تا پدر در پسر جلال یابد:
۱. در پیام خود، خداوند از تجلیل گفت، و در دعایش، برای تجلیل دعا کرد - ۱۳: ۳۱-۳۲؛ ۱۴: ۱۳؛ ۱۵: ۸؛ ۱۷: ۱، ۵.
 ۲. مسیح توسط پدر با جلال الهی در رستخیزش جلال یافت - ۷: ۳۹؛ (آ) «جلال یافت» به معنای «رستخیز کرد» است، زیرا خداوند وقتی جلال یافت که رستخیز کرد؛ رستخیزش او را به جلال رساند - لوقا ۲۴: ۲۶؛ ۱ قرن ۱۵: ۴۳؛ اعمال ۳: ۱۳، ۱۵.
- (ب) بر طبق تفکر عهد جدید، رستخیز، رهایی در حیات است، و این رهایی در حیات، موضوع تجلیل است؛ بنابراین «تجلیل» هم-معنای «رستخیز» است.
- پ. امروز توسط کلیساست که آن پسر جلال خواهد یافت تا پدر در [پسر] و از طریق پسر جلال یابد - یوحنا ۱۷: ۲۲؛ افسسیان ۳: ۲۱:
۱. جلال، ابراز حیات الهی و طبیعت الهی است؛ ما هر چه بیشتر توسط حیات الهی و طبیعت الهی زندگی کنیم، جلال الهی در کلیسا بیشتر خواهد شد - یوحنا ۱۷: ۲۲؛ افسسیان ۳: ۲۱.
 ۲. پدر از طریق اتحاد ارگانیک ایمانداران مسیح با پدر در پسر در یک یگانگی همذات شگفت انگیز جلال می یابد - یوحنا ۱۷: ۲۳؛ (آ) وقتی ما یک هستیم، مسیح جلال می یابد، و پدر نیز جلال می یابد.
- (ب) آن یگانگی در یوحنا ۱۷، برای تجلیل پدر در پسر است؛ این یگانگی، در واقع تجلیل الهی است.
۳. در تجلیل الهی، خدای سه یکتا در انسانیت جلال می یابد، و انسانیت در الهیت جلال می یابد - مکاشفه ۲۱: ۱۰-۱۱.